

گزارش «وطن‌امروز» از گام‌های ضروری دولت برای عبور از فشارهای اقتصادی خارجی، به بهانه ابلاغ مأموریت خنثی‌سازی تحریم‌ها از سوی رئیس‌جمهور به منبر

# خنثی‌سازی تحریم، روی میز فرمانده اقتصاد

کاهش وابستگی اقتصاد به نفت، استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی شرق، پیمان‌های پولی دوجانبه، تقویت دیپلماسی اقتصادی در منطقه و کمرنگ کردن نقش دلار در اقتصاد از اهم گام‌های خنثی‌سازی تحریم است



گروه اقتصادی؛ یکی از چالش‌هایی که اقتصاد ایران با آن دست و پنجه نرم می‌کند مساله تحریم‌های اقتصادی است؛ تحریم‌هایی که با هدف تضعیف اقتصاد ایران و تحت فشار دادن کشور در قالب‌های گوناگون در برهه‌های مختلف از سوی ایالات متحده وضع شدند. به منظور مقابله با تحریم‌های خارجی، یکی از کارهای واجب، گام برداشتن به سمت خنثی‌سازی تحریم‌هاست. یکی از اهداف دولت سیزدهم پس از روی کار آمدن نیز قدم برداشتن در این مسیر است. ۲۵ مهر ماه رئیس‌جمهور همه‌وزار تخانه‌ها و دستگاه‌ها را موظف کرد در خنثی‌سازی تحریم‌ها و تنظیم بازار کالاهای اساسی همکاری کنند و مقرر شد معاون اول رئیس‌جمهور، مسؤولیت هماهنگی فعالیت‌های دولت برای خنثی‌سازی تحریم‌ها را بر عهده گیرد. این اقدام نخستین گام برای رسیدن به این هدف است. برای خنثی‌سازی تحریم‌ها باید گام‌هایی برداشته شود که در این گزارش سعی می‌شود مهم‌ترین این گام‌ها بیان شود.

## کاهش وابستگی اقتصاد به نفت

یکی از گام‌هایی که باید در مسیر خنثی‌سازی تحریم‌ها برداشته شود، کاهش وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی است. با در نظر گرفتن تجربیات قبلی کشور در وضع قواعد مالی و با فرض وجود یک اراده برای تجدید ساختار کشور، می‌توان در چارچوب کاهش وابستگی بودجه دولت به منابع حاصل از نفت، اقدامات لازم را در دستور کار قرار داد. کاهش وابستگی به منابع حاصل از نفت مستلزم برنامه‌هایی برای افزایش منابع غیرنفتی در سمت منابع و کنترل هزینه‌ها در سمت مصارف است. قواعد مالی نیز در این مسیر نقش راهنما را دارد. در واقع وضع قواعد مالی شرط لازم برای حرکت به سمت کاهش وابستگی بودجه دولت به منابع حاصل از نفت است و شرط کافی، انجام اقدامات اصلاحی در سمت منابع و مصارف بودجه است. راه‌های کاهش وابستگی اقتصاد کشور به نفت خام شامل برپیز از واردات بی‌رویه و بازگشت به سیاست تولید داخل و سرمایه‌گذاری بر نیروی انسانی متخصص و لزوم جداسازی درآمد نفت از حساب بودجه می‌شود. البته راه‌های متعددی برای دوری از این شرایط که از آن به بیماری هلندی تعبیر می‌شود، وجود دارد. خروج از اقتصاد نفتی به افزایش ارزش واقعی پول رایج وابسته است و این امر مستلزم خودداری بانک مرکزی از چاپ پول است که باعث تورم می‌شود.

## پیمان‌های پولی دوجانبه

پس از تحریم‌های مالی، اساساً روند انتقال ارز به کشورمان متوقف شد. در گام اول ایران مجبور شد در ازای و بر پایه منابع ارزی‌ای که در دیگر کشورها داشت، ریال چاپ کرده و به اقتصاد کشور تزریق کند. پس از مدتی با محرز شدن عدم بازگشت ارزهای بلوکه‌شده و تبعات چاپ ریال بدون پشتوانه، عملاً این اقدام متوقف شد اما تأثیری که سالیان سال دلار بر بازارهای مالی کشورمان گذاشته بود و نقش لنگر لنگر بود که در ایجاد تورم بازی می‌کرد، هیچگاه از بین نرفت. پیمان‌های پولی فقط به وسیله پول و ارز اجرا نمی‌شود، بلکه کیفیت مبادلات نیز در آن دخیل است. پیمان‌های پولی ابزاری برای مقابله با تحریم‌هاست، زیرا آمادگی برای استفاده از پول ملی در مبادلات، تعطف‌پذیری کشور را در مقابل تحریم‌های افزایش می‌دهد. در بحث پیمان‌های پولی باید از پیمان‌های دوجانبه به سمت پیمان‌های پولی چندجانبه حرکت و مشکل تراز تجاری را در این پیمان‌ها حل کنیم. این روش پرداختی نخستین‌بار در ایران طی سال‌های ۸۹ و ۹۰ از سوی کارشناسان به دولت پیشنهاد شد اما بانک مرکزی به این روش بی‌محللی کرد. پس از روی کار آمدن دولت روحانی و در میانه مذاکرات برجام، دوباره بحث پیمان‌های پولی دوجانبه به دولت پیشنهاد شد که برای سامان گرفتن روابط اقتصادی خارجی و برتری در مذاکرات هسته‌ای، پیمان پولی دوجانبه را اجرا کند. بالاخره بانک مرکزی مجبور به

## استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی شرق و پیمان‌هایی نظیر شانگهای

پیونددهنده شرق و غرب اوراسیا باشد. همچنین بندر بزرگ چابهار ایران ظرفیت تبدیل شدن به مرکز تبادلات چندین کشور عضو و همسایه را به نحو ویژه دارد که با همت اعضا می‌تواند به نمادی از همکاری همه‌اعضای سازمان شانگهای تبدیل شود. در واقع ایران با بهره‌گیری از موقعیت استراتژیک خود در آسیای میانه می‌تواند بازگرمی مهم در پیشبرد طرح‌های اقتصادی و توسعه‌محور کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای باشد. یکی از گام‌هایی که در راستای خنثی‌سازی تحریم‌ها باید برداشته شود، استفاده از ظرفیت‌های بالقوه‌ای است که پیش روی اقتصاد ایران قرار دارد. البته باید توجه داشت صرف عضویت در این پیمان برای بهبود دیپلماسی اقتصادی کشور کافی نیست و برای ایجاد فرصت‌های بزرگ اقتصادی لازم است با هر یک از کشورهای عضو نیز روابط دوجانبه قوی برقرار شود که انعقاد موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی، کاهش منطقی نرخ‌های تعرفه‌های بویژه از سوی ایران و همکاری در نرخ‌های تعرفه کالایی، شناخت دقیق جنوب و شمال اوراسیا باشد و آسیای مرکزی و روسیه را به هند پیوند دهد. کریدور شمال - جنوب می‌تواند زیرساخت سخت‌های گامی در قالب «اوراسیای بزرگ» را تقویت کند. ایران در مسیر یکی از کریدورهای ابتکار کمربند و راه، یعنی کریدور چین - آسیای مرکزی - غرب آسیا قرار دارد و می‌تواند

دولار و مغولستان ۳ میلیون دلار بوده است. سید صادرات کالاهای ایران به مجموعه کشورهای عضو پیمان شانگهای بسیار متنوع است که شامل انواع ماهی و محصولات دریایی، سبزیجات، میوه، پارچه و مصنوعات نساجی، انواع ماشین‌آلات صنعتی و کشاورزی، لوازم خانگی، فرش و گلیم، محصولات پتروشیمی و بسته و آجیل می‌شود و محصولات وارداتی نیز اغلب مواد اولیه صنعتی، قطعات ماشین‌آلات، گوشت، دارو، محصولات شیمیایی، تجهیزات پزشکی، قطعات و لوازم یدکی خودرو و انواع پارچه و مصنوعات است. از سوی دیگر ابتکار کمربند و جاده، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و کریدور شمال - جنوب به عنوان طرح‌های کلیدی در حوزه اتصالات زیرساختی می‌توانند در تقویت منافع مشترک کشورهای در حال توسعه و تقویت صلح در این منطقه نقش ایفا کنند. این پروژه‌ها نه رقیب، بلکه مکمل یکدیگرند. ایران حلقه وصل ۳ طرح زیرساختی فوق‌العاده است. ایران می‌تواند از طریق کریدور شمال - جنوب حلقه وصل جنوب و شمال اوراسیا باشد و آسیای مرکزی و روسیه را به هند پیوند دهد. کریدور شمال - جنوب می‌تواند زیرساخت سخت‌های گامی در قالب «اوراسیای بزرگ» را تقویت کند. ایران در مسیر یکی از کریدورهای ابتکار کمربند و راه، یعنی کریدور چین - آسیای مرکزی - غرب آسیا قرار دارد و می‌تواند

مجموع صادرات و واردات کشورهای ذیل سازمان شانگهای به بیش از ۷ تریلیون دلار می‌رسد که از این میزان ۳۷۷ تریلیون دلار مربوط به صادرات و ۳۴۴ تریلیون دلار شامل واردات است. در کمال ناباوری اما مجموع تجارت ایران با مجموعه کشورهای عضو پیمان شانگهای به طور میانگین سالانه ۹۹/۵۵ میلیون تن به ارزش ۲۸ میلیارد دلار بوده است. در واقع سهم ایران از این ۷ تریلیون دلار تنها ۲۸ میلیارد دلار یعنی کمتر از نیم درصد است. ایران با ۱۱ عضو اصلی و ناظر پیمان شانگهای شامل چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان، مغولستان، پاکستان، هند، افغانستان و بلاروس، دارای تجارت فرامرزی است که در این میان بیشترین حجم تجارت ایران با چین به ارزش ۱۸ میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار است. هند با ۳ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار، افغانستان با ۲ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار، روسیه با یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار و پاکستان با یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار در رتبه‌های بعدی از نظر حجم تجارت قرار دارند. به گفته سخنگوی گمرک از میان دیگر کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای، حجم تجارت ایران با ازبکستان ۲۵۶ میلیون دلار، قزاقستان ۲۰۵ میلیون دلار، قرقیزستان ۵۱ میلیون دلار، بلاروس ۳۰ میلیون دلار، تاجیکستان ۲۴ میلیون

## تقویت دیپلماسی اقتصادی در منطقه

به‌نظر برای متحول کردن اقتصاد ایران، با وجود افزایش صادرات طی سال‌های گذشته، بررسی صادرات در سال‌های مختلف حاکی از آن است که در دولت‌های مختلف، روند افزایشی صادرات با نوسانات زیادی همراه بوده است. بررسی آمار توسعه صادرات طی ۱۶ سال گذشته نشان می‌دهد بین سال‌های ۱۳۸۴ الی ۱۳۹۲ صادرات با افزایش ۲۰۰ درصدی و طی سال‌های ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۹ با افزایش تنها ۱۲ درصدی همراه بوده است که نمایانگر عدم استفاده از ظرفیت بالای تجارت بویژه تجارت با همسایگان است. طی سال‌های اخیر بازار کشورهای همسایه به ترکیه و امارات شده است. سال گذشته که صادرات ایران به همسایگان (جز ترکیه) از ۲۰ میلیارد دلار به ۱۷/۸ میلیارد دلار کاهش یافت، این ترکیه بود که با صادرات ۲۶ میلیارد دلاری، نیاز وارداتی کشورهای همسایه ایران را تأمین کرد.

که «چرا تولید کشور صادرات‌محور نیست؟» آن است که تکمیل زنجیره ارزش با سرمایه داخلی و در داخل مرزها آسان‌تر انجام می‌شود. پیچیدگی فرآیندهای فرامرزی موجب شده کشور به سمت صادرات کالاهای با سطح فناوری پایین حرکت کند که این موضوع در سال‌های اخیر نمود بیشتری داشته است. در دهه‌های گذشته فرصت تجارت با همسایگان در حالی بدستی مورد توجه قرار نگرفته که ایران با دارا بودن مرزهای مشترک آبی و خاکی با ۱۵ کشور، دومین کشور جهان از نظر تعداد همسایه‌هاست و این یعنی پتانسیل بزرگی که می‌تواند علاوه بر بی‌اثر کردن تحریم‌ها، یک بازار نزدیک به ۶۰۰ میلیون نفری را بیخ گوش ما قرار دهد؛ آن هم بازاری که حدود ۱۲۰۰ میلیارد دلار نیاز سالانه خود را از طریق واردات تأمین می‌کند و همه اینها یعنی فرصت

امروز همکاری منطقه‌ای با توجه به عامل جغرافیایی مورد توجه اکثریت کشورهای جهان قرار گرفته است. با توجه به طرح موضوع جهانی شدن اقتصاد و ضرورت همکاری بیشتر سیاسی و اقتصادی بین کشورهای یک منطقه جغرافیایی، کمتر کشوری را در دنیا می‌توان یافت که برای توسعه خود به همکاری منطقه‌ای توجه نداشته باشد. کشورها اگر در یک گروه منطقه‌ای قرار گیرند، بهتر می‌توانند منافع منطقه و کشورهای خود را تأمین و ضعف‌ها و نقصان‌های خود را برطرف کنند. منطقه‌گرایی در حوزه جغرافیایی اروپا، الگوی نسبتاً موفق‌تری را به جهانیان ارائه کرد که به دنبال آن مناطق دیگر کره خاکی از این الگو پیروی کردند. به عنوان مثال مشارکت منطقه‌ای در فرآیند تولید، یک الگوی تجربه شده و غیرقابل اجتناب در مسیر حرکت به سمت سطوح بالای فناوری است. یک پاسخ به این پرسش

## تکمیل زنجیره ارزش و توسعه صنایع پتروشیمی

بیش از یک قرن است تمام مبادلات اقتصادی و صنعتی دنیا ذیل انرژی‌هایی تعریف می‌شود که منشعب از نفت است. به طور قطع میزان توسعه‌یافتگی کشورها با میزان استفاده و نحوه استفاده‌شان از این ماده سیاه‌رنگ رابطه مستقیم دارد. به طور معمول تلاش کشورهای استعمارگر بر این بوده است کشورهای دارای منابع بالا را در همان حد خام‌فروش نگه دارند تا به سمت تکمیل زنجیره ارزش و توسعه صنایع پایین‌دستی نروند، زیرا با این طرح هم وابستگی کشورها را به خودشان افزایش می‌دهند و هم اهرم فشار تحریم را در اختیار دارند. در کشور ایران از همان سال ۱۳۸۷ که نخستین چاه نفت در مسجدسلیمان کشف شد، نام آن با «خام‌فروشی» گره خورده بود. هم‌اکنون نیز آمار وابستگی بالای اقتصاد و بودجه عمومی به صادرات نفت خام مؤید همین مطلب است. در واقع برای ایران که همواره با تحریم‌های ظالمانه آمریکا درگیر بوده است ۳ راه کلی برای استفاده از این نعمت خدادادی وجود دارد؛ راه اول افزایش راه‌های فروش از طریق مذاکره و تعامل به منظور کاهش تحریم‌هاست. این راه اگرچه شاید در کوتاه‌مدت جواب دهد ولی همان گونه که در قضیه برجام و سایر توافقنامه‌ها دیدیم، بسیار موقت است و نمی‌تواند راهی برای توسعه پایدار باشد. راه دوم دور زدن تحریم به وسیله راه‌های مختلف متنوع است. به عنوان مثال در سال‌های ۹۰ و ۹۱ که اوج تحریم‌های ضدایرانی بود، به نوعی رکورد درآمدهای نفتی با حدود ۱۲۰ میلیارد دلار شکسته شد، هر چند افزایش قیمت نفت در آن سال‌ها هم در این امر مؤثر بود. این راه هم به افراد باتجربه و متخصصی نیاز دارد، زیرا بسیار پیچیده و پرهزینه است. راه سوم که مطمئن‌تر و پایدارتر است، راه خنثی‌سازی تحریم‌ها به وسیله توسعه صنایع مرتبط با نفت و صادرات فرآورده است. این راه از لحاظ اقتصادی به صرفه است، زیرا با فراوری نفت و تکمیل زنجیره ارزش آن می‌توان تا ده‌ها برابر سودآوری کرد از سوئی از لحاظ تحریم‌پذیری نیز توجیه‌پذیر است زیرا تحریم فرآورده‌های باارزشی امکان‌پذیر نیست. به عنوان مثال صادرات بنزین در این چند سال که تحریم‌های سخت و سخت‌آمیرا اعمال می‌شد، نه تنها متوقف نشد، بلکه حدود ۳ میلیارد دلار درآمد عاید کشور کرد. ناگفته نماند این امر از عواید ساخت پالایشگاه میعانات گازی ستاره خلیج فارس است که نه تنها ایران را از واردات بنزین بی‌نیاز کرد، بلکه به جمع کشورهای عضو باشگاه صادرکنندگان بنزین راه داد.



## کمرنگ کردن نقش دلار در اقتصاد

هدف گذاری دلارزدایی و کاهش وابستگی اقتصاد از دلار چند سال است توسط مسؤولان دولت‌های مختلف بیان می‌شود؛ این مهم مورد تأکید مردان اقتصادی دولت سیزدهم هم است. اصلی‌ترین باشنه آشیل حذف دلار از اقتصاد ایران در شرایط کنونی ارز ترجیحی است که در عمل دلار را به رسمیت شناخته و پیش از اینکه سیاست‌گذار اقتصادی بخواهد در راستای راه‌های جایگزین برگشت ارز حاصل از نفت و مشتقات آن تصمیم بگیرد، او را مجبور به تأمین ارز کالاهای اساسی می‌کند. در سال‌های گذشته یکی از اصلی‌ترین موانع عدم تحقق اقتصاد غیردلاری از اقتصاد کشورمان وابستگی شدید بودجه دولت به درآمدهای نفتی و مشتقات آن بوده است طوری که در سنوات متوالی درآمدهای نفتی سهم بیش از ۵۰ درصدی از درآمدهای نفتی داشت؛ درآمدی که عمدتاً از مسیرهای قابل تحریم و به صورتی ارزی وارد کشورمان می‌شد. این درآمد ارزی طی یک عملیات توسط بانک مرکزی تبدیل به ریال شده و منابع اقدامات دولت را در بودجه تأمین می‌کرد.